خبر روز

■ **پروانه نمایش «خائن‌کشی» صادر شد**

شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش سه فیلم موافقت کرد. شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش برای فیلم‌های «سلوک» به تهیه‌کنندگی علی اوجی و کارگردانی عباس رافعی، «حدود ساعت ۸ صبح» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی منوچهر هادی و «خائن‌کشی» به تهیه‌کنندگی علی اوجی و کارگردانی مسعود کیمیایی موافقت کرد.

■ **مهران احمدی چهارشنبه به «مهمونی» می‌رود**

زمان انتشار سریال «مهمونی» تغییر کرد و از این هفته، چهارشنبه‌ها روی پلتفرم فیلیمو قرار خواهد گرفت. بر همین اساس ششمین قسمت از این برنامه، با حضور مهران احمدی به عنوان میهمان برنامه، چهارشنبه ۳۰ فروردین منتشر می‌شود. هوتن شکیبا، کاظم سیاحی، بهادر مالکی، سهیل مستجابیان، الی امامی، امیر ادیب و نازنین شعبانی صداپیشگان این مجموعه‌اند.

■ **چرا «بی‌واسطه» محمد دلاوری به آنتن نرسید؟**

علی صدری‌نیا، تهیه‌کننده مجموعه «بی‌واسطه» که قرار بود در ایام نوروز با اجرا و روایت محمد دلاوری از تلویزیون پخش شود درباره تأخیر در پخش این مجموعه گفت: «بی‌واسطه» به دلیل فشردگی کنداکتور روی آنتن نرفت. با توافق جدید از هفته آینده هر هفته یکشنبه و سه‌شنبه ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه یک می‌رود و روزهای پنجشنبه و جمعه ساعت ۱۶ هم در شبکه افق بازپخش دارد.

■ **حسین کیانی با «کافه کات» به ایرانشهر می‌آید**

نمایش «کافه کات» به نویسندگی و کارگردانی حسین کیانی از سوم اردیبهشت در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به صحنه می‌رود. این نمایش با بازی بهروز پناهنده، کهبد تاراج، ساناز روشنی، الهه شه‌پرست، حسام‌الدین مختاری، هدا ناصح و مریم ندائی از روز یکشنبه سوم اردیبهشت ساعت ۱۸ در سالن سمندریان اجراهای خود را آغاز می‌کند.

تا نمایشگاه

اثری جدید از مصطفی رحماندوست در نمایشگاه کتاب

کتاب «علی کوچولو، کمد و ماهی» شامل دو سروده از مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان است که با تصویرگری سارا کثیری همراه و در ۳۲ صفحه وزیری با بهای پشت جلد ۷۹ هزار تومان از سوی نشر نیستان در نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد شد.

شعر اول با عنوان «ماهی‌ها با هم» داستانی است که حول مفهوم اتحاد شکل گرفته است. ماهی‌هایی که برای نجات دوستشان از قلاب ماهیگیر دست در دست هم او را به آب می‌اندازند. رحماندوست اما در شعر دوم با عنوان «علی کوچولو بالای کمد» داستان یک بازیگوشی کودکانه را دستمایه ارائه مفهوم جسارت و تبعات آن با نگاهی کودکانه کرده است. سارا کثیری در مقام تصویرگر، در این اثر تصاویری خلق کرده که حتی بدون متن هم قابلیت برقراری ارتباط داستانی با مخاطب خود را دارند.

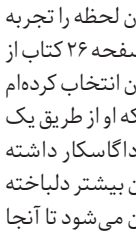

گفت‌وگو با ساسان سالور، تهیه‌کننده «سه کام حبس»

تلخی با طعم امید

صبا کریمی | فیلم سینمایی «سه کام حبس» به کارگردانی سامان سالور و تهیه‌کنندگی ساسان سالور سرانجام پس از چهار سال از دیروز در اکران عید فطر، نمایش خود را آغاز کرد، این فیلم درام که از جامانده‌های سی و هشتمین جشنواره فجر است داستان زندگی مجتبی و نسیم با بازی محسن تنابنده و پریناز ایزدیار و گرفتار شدن آن‌ها در معضل اعتیاد را روایت می‌کند. «سه کام حبس» در دوره سی و هشتم نامزد دریافت چهار سیمرغ شد و همچنین توانست ۶ جایزه از جشنواره‌های جهانی کسب کند. این فیلم اگرچه راوی داستانی تلخ و هشداردهنده است اما بر اساس آنچه تهیه‌کننده‌اش می‌گوید بازتابی از واقعیت‌هاست و تلنگری برای جامعه خواهد بود و صورت مسئله‌ای است که به جای حذف آن باید راه حلی کارآمد برایش یافت.

در ادامه با ساسان سالور، تهیه‌کننده «سه کام حبس» درباره این فیلم و انگیزه ساخت آن به گفت‌وگو پرداختیم که مشروح آن پیش روی شماست.

■ **خوشبختانه طلسم اکران این فیلم شکست، اما شما در دولت قبلی و سال ۹۹ هم برای پروانه نمایش فیلم اقدام کردید که ظاهراً با مشکل مواجه شد و مدتی هم درگیر آن بودید.**

بله، در دولت قبل چند ماهی درگیر پروانه نمایش بودیم که سرانجام شورا با صدور پروانه موافقت کرد. البته آن زمان به دلیل شیوع کرونا اکران فیلم به تعویق افتاد تا اینکه سال بعد موقعیتی برای نمایش مهیا شد و آماده اکران بودیم که پخش‌کننده به ما گفت فیلم نیاز به بازبینی مجدد دارد؛ یعنی پروانه نمایشی که در دولت قبل صادر شده بود اعتبار نداشت و دولت جدید گفت ما هم باید نظارت‌هایی روی فیلم داشته باشیم.

■ **مانند اتفاقی که برای خیلی از فیلم‌های دارای پروانه نمایش افتاده و ناچار به گرفتن مجدد پروانه نمایش شده‌اند.**

بله دقیقاً، این مسئله برای فیلم‌های زیادی اتفاق افتاد و فیلم ما هم مستثنا نبود و روند دریافت پروانه نمایش را دوباره سپری کردیم که خوشبختانه با ما تعامل کردند و توانستیم پروانه نمایش را بگیریم.

■ **آیا فیلم نسبت به نسخه جشنواره تغییر کرده است؟**

به هر حال تغییراتی دارد اما سعی کردیم این تغییرات طوری باشد که به اصل داستان آسیب نزند. البته بحثی هم مطرح بود که یکی دو سکانس مهم و بسیار حیاتی از فیلم خارج شود، اما با توجه به اینکه اساس قصه را در برمی‌گرفت و نبودش برای داستان مشکل ایجاد می‌کرد، با تعامل این سکانس‌ها را به صورت تعدیل شده در فیلم نگه داشتیم.

■ **تمرکز اصلی «سه کام حبس» روی خانواده و اعتیاد است اما حضور پلیس یا نهادهای مرتبط در آن کمرنگ است جز دو سه سکانس که احتمالاً همین مسئله تا حدودی انتقادبرانگیز هم شد.**

به نظرم مشکل اصلی دوستان در وزارت ارشاد این است که هر فیلمی را با تأکید بر جزئیات نگاه می‌کنند، در حالی که باید مسئله اصلی این باشد که این فیلم قرار است چه بگوید. «سه کام حبس» معضلی را مطرح می‌کند که بنیان یک خانواده ممکن است با اشتباه یک نفر از هم پاشیده شود.

به نظر شما این جنبه تذکر دادن به آدم‌ها تأثیر بیشتری ندارد؟ تذکر به همان‌هایی که می‌خواهند یک‌شبه پولدار شوند. اگر از این زاویه نگاه کنیم یک پیام مهم دارد، اما متأسفانه همیشه صورت مسئله را پاک کرده‌ایم و گاهی منکر می‌شویم چنین معضلاتی در جامعه وجود دارد، تا جایی که برخی می‌گویند مگر مواد مخدر به این شکل خرید و فروش می‌شود؟ در حالی که مواد مخدر به راحتی در پارک‌ها قابل دسترس است. این‌ها همان مواردی است که به ما می‌گوید نمی‌توان صورت مسئله را پاک کرد! وظیفه و رسالت من به عنوان هنرمند نشان دادن واقعیت‌های جامعه است. بله، قبول دارم «سه کام حبس» فیلم تلخی است اما چیزی را بزرگ‌نمایی یا به قول جمله دهن‌پرکنی که چند سال است مد شده، «سیاه‌نمایی» نکرده‌ایم. شاید عده‌ای از همکاران ما شیطنت‌هایی بکنند تا فیلمشان رویکرد جشنواره‌ای داشته باشد اما فیلم‌های من از سال‌های ۸۰ در جشنواره‌های جهانی رفته و رویدادهای مختلف را دیده‌ایم و درگیر جشنواره نیستیم. اتفاقاً من خوشحالم این فیلم برای نخستین بار به همت خانه فیلم یک اکران گسترده و خوب را داخل ایران تجربه می‌کند و اگر اجازه بدهند پخش خوبی خواهیم داشت اما در مجموع با پاک کردن صورت مسئله نمی‌توان چیزی را حل کرد.

■ **زمان جشنواره هم مهم‌ترین انتقادی که به «سه کام حبس» می‌شد تلخی بیش از حد فیلم بود که حتی آن امیدِ پایانی داستان هم نتوانسته بود از زیر سایه تلخی بیرون بیاید.**

وقتی فیلم اجتماعی و مستند ساخته می‌شود داستانش با فیلم‌های شیرین و کمدی متفاوت است. هر تکه از این فیلم براساس واقعیت‌هایی است که وجود دارد. من خاطرم هست در ایام نمایش فیلم در جشنواره فجر در یکی از سینماها، یک خانمی با دیدن پریناز ایزدیار با گریه او را در آغوش گرفت و گفت همین اتفاق مو به مو برای زندگی‌اش افتاده است. ما یک کار فرهنگی و اجتماعی انجام می‌دهیم که به حقیقت نزدیک است. بله اگر ما به صورت اغراق شده به چیزی بپردازیم چنین نقدی وارد است اما اگر کسی به هر بخشی از این فیلم ایرادی وارد می‌کند من می‌توانم او را به مکان‌هایی ببرم که تمام این سکانس‌ها را به صورت مستند ببیند. تلخی، لازمه این فیلم و داستان است، گرچه ما در فیلم امید هم داریم. تلاشی که «نسیم» می‌کند تا از اتفاق‌های عجیب و غریبی که برایش افتاده، فاصله بگیرد و از این واقعه اسفبار فرار کند. اگر از این زاویه نگاه کنیم که این فیلم می‌تواند به چند نفر تلنگر بزند که عاقبت اعتیاد و مواد مخدر چیست به نظرم کار خودش را انجام داده است. ما سال‌هاست با وزارت ارشاد این چالش را داریم که فیلم‌ها را به صورت جزئی می‌بینند و از برخی سکانس‌ها تصوراتی دارند که شاید کیلومترها با ذهنیت سازندگان فرق داشته باشد، در حالی که کارکرد سکانس را در کلیت فیلم در نظر نمی‌گیرند و همین نگاه هم به فیلم آسیب می‌زند. مثلاً در همین فیلم به سکانس‌هایی ایراد گرفتند که ما به عنوان سازنده از این نوع برداشت متعجب بودیم که مگر می‌شود فردی از این زاویه هم به ماجرا نگاه کند!

■ **یعنی معتقدید این تلخی قرار است در راستای سازندگی حرکت کند؟**

به نظرم به اندازه کافی فیلمِ شیرین ساخته می‌شود و ما هم قصد و غرضی از ساختن فیلم تلخ نداریم و نمی‌خواهیم ناامیدی را تزریق کنیم بلکه یکی از رسالت‌های ما نشان دادن مسائل واقعی اجتماعی است و در «سه کام حبس» هم غیر از واقعیت چیزی نگفته‌ایم. در مقابل مسئولان به عنوان دولتمرد و خادم مردم به فکر سفید کردن این به اصطلاح سیاه‌نمایی‌ها باشند. اگر فیلمساز نکاتی را تذکر می‌دهد آن‌ها هم متقابلاً وظیفه دارند چیزی که ما نشان دادیم را اصلاح کنند. به نظرم اگر ما به عنوان فیلمساز این مسائل را منعکس نکنیم خیانت کرده‌ایم.

■ **شما این فیلم را با ۴ میلیارد تومان ساختید که احتمالاً هزینه‌های خودش را در اکران جبران می‌کند اما امروز با مشکلاتی که بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری فیلم‌های اجتماعی دارد، اگر بخواهید فیلم بسازید شرایط برایتان چگونه خواهد بود؟**

اتفاقاً اگر امروز «سه کام حبس» ۲۰ میلیارد تومان بفروشد باز هم ضرر کرده‌ایم. چون آن زمان دلار ۱۰ هزار تومان بوده و هنرپیشه هم دستمزد کمتری داشته اما حالا همه چیز چندین برابر شده و اگر قرار باشد این فیلم امروز ساخته شود قطعاً هزینه تولیدش زیر ۲۰ میلیارد تومان نخواهد بود و همین فیلم باید ۶۰ میلیارد بفروشد که من به عنوان تهیه‌کننده بتوانم ۲۰ میلیاردم را بردارم.

متأسفانه فیلم‌سازی بسیار سخت شده و ترغیب سرمایه‌گذار در بخش خصوصی واقعی به ویژه در فیلم‌های اجتماعی کار مشکلی است. البته اینجا روی صحبتم با بخش خصولتی و دولتی نیست اما وقتی سرمایه‌گذار خصوصی دارید مشکلات چندین برابر است؛ تازه پس از اینکه فرد را برای سرمایه‌گذاری مجاب می‌کنید چالش‌ها با وزارت ارشاد شروع می‌شود؛ از صدور پروانه ساخت و نمایش تا ممیزی. به نظرم باید کمی فضا را باز کنیم و افراد متخصص‌تری پای کار بیایند، هر چه فضا محدودتر شود کار سخت‌تر خواهد شد. من معتقدم اگر پلتفرم‌ها نبودند امروز سینما نفس‌های آخرش را کشیده بود. متأسفانه در این سال‌ها سینما و تئاتر بدترین ضربه‌ها را خوردند. پس از کرونا و در التهاب‌های اجتماعی باز هم این سینما بود که دچار بحران شد، در حالی که همه به کسب و کارهایشان می‌پردازند و فقط هنرمندان زیر ذره‌بین هستند.

البته این نوع فیلم‌ها هم مخاطب خاص خودش را دارد. مخاطب ما در سالیان اخیر بسیار باهوش شده و رغبت و علاقه‌اش به فیلم‌هایی است که مبتنی بر واقعیت باشد. مخاطبی که بخواهد بخندد به اندازه کافی فیلم خوشگذرانی و خنده‌دار و پر از شوخی‌های سطح پایین و لودگی وجود دارد و می‌تواند آن‌ها را انتخاب کند.

با احترام به دوستان فیلمسازم اما خیلی از فیلم‌های امروز در حالی که لوباجت هم نیستند و بیگ پروداکشن ساخته می‌شوند اما استانداردهای پرده را ندارند، اما «سه کام حبس» فیلم قابل قبولی است. این فیلم استانداردهای پرده سینما را دارد، بازی‌های درجه یک و کارگردانی خوبی دارد. ضمن اینکه از جشنواره‌های بین‌المللی جوایز متعددی دارد و مخاطب جهانی با آن ارتباط برقرار کرده است.

■ **شما یک زمانی پلتفرم‌ها را رقیب سینما می‌دانستید، اما با توجه به اینکه هر دو بازیگر نقش اول شما در پلتفرم‌ها سریال دارند به نظرتان این خودش می‌تواند عاملی برای ترغیب مخاطبان به تماشای این فیلم شود؟**

محسن تنابنده و پریناز ایزدیار هر دو جزو هنرپیشه‌های خوب ما هستند و فکر می‌کنم مخاطب ارتباط خوبی با فیلم برقرار می‌کند و این هم می‌تواند عاملی برای جذب مخاطب بیشتر باشد. ضمن اینکه تنابنده فیلم «جنگ جهانی سوم» را هم روی پرده دارد که متأسفانه اتفاق بد و ناگواری برایش افتاد و از قاچاق آن بسیار متأثر شدم.

شاید بد نباشد این را هم بگویم فیلم‌هایی که در جشنواره‌های A شرکت می‌کنند توسط پلتفرم‌ها خریداری و در مدت ۶-۵ ماه نمایش داده می‌شوند.

حالا اگر وزارت ارشاد با این فیلم‌ها همکاری داشته باشد و در گرفتن مجوزها مساعدت کند تا زودتر اکران شوند طبعاً چنین اتفاقی برایشان نمی‌افتد اما وقتی فیلم‌ها در آن پلتفرم‌ها پخش می‌شوند اینجا هم قاچاق شده و خسارتش هم متوجه تهیه‌کننده است.

درنگ‌ها و حرف‌ها

نگاهی به کتاب «از کاپ تا کیپ»
نوشته رضا پاکروان

روایتی صادقانه از سفری شگفت‌انگیز

عباسعلی سپاهی یونسی | «ماداگاسکار به رؤیاهای من رخنه کرد. وقتی از خواب بیدار می‌شدم، در آن لحظات تار و نامشخص پیش از بیداری و برقراری واقعیت، به نظرم می‌رسید هنوز آنجا هستم و الان صدای آوازهای دسته جمعی صبحگاهی بچه‌ها بلند می‌شود. بعد از اینکه ذهنم باز می‌شد متوجه می‌شدم روزی در پیش دارم که به جای درس‌های زبان مالاگاشی و خوابیدن روی زمین، تشکیل شده از صفحه گسترده و قرارهای شغلی، دلم می‌خواست دوباره می‌خوابیدم تا یک بار دیگر آن لحظه را تجربه می‌کردم» این چند خط را از صفحه ۲۶ کتاب از «کاپ تا کیپ» اثر رضا پاکروان انتخاب کرده‌ام و بخش شرح روزهایی است که او از طریق یک مؤسسه خیریه سفری به ماداگاسکار داشته است. پس از آن سفر، پاکروان بیشتر دلباخته سفر و رفتن و کمک به دیگران می‌شود تا آنجا که تصمیم می‌گیرد همراه دوستی به نام استیو در یک حرکت شگفت‌انگیز از نورکاپ نروژ در اروپا تا کیپ‌تاون در آفریقای جنوبی راکاب بزند. مسافتی که آن‌ها باید رکاب می‌زدند ۱۷ هزار و ۷۰۰ کیلومتر بود. البته این رکاب زدن یک قید داشت و آن هم زمان ۱۰۰ روزه در نظر گرفته شده برای این برنامه بود. این زمان را گینس برای این جهانگرد و دوچرخه‌سوار ایرانی ساکن لندن تعیین کرده بود. از کاپ تا کیپ سفری خیرخواهانه بود تا پاکروان برای کارهای خیرخواهانه در ماداگاسکار، جزیره‌ای بزرگ در اقیانوس هند، پول جمع کند هر چند او دو روز دیرتر از وقت مقرر به مقصد رسید چون در راه، مالاریا گرفت و نتوانست رکورد مورد نظرش را در گینس ثبت کند. البته تا همین جای ماجرا هم هنوز کسی نتوانسته است این مسیر طولانی را در این مدت طی کند. فراموش نکنیم پاکروان برای این حرکت شگفت از سه قاره و ۱۳ کشور رد شد.

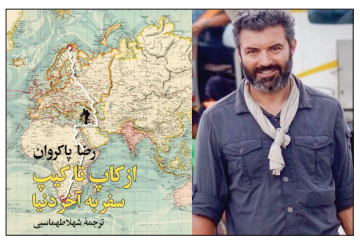

رضا پاکروان پیش از رکاب زدن ۱۷ هزار و ۷۰۰ کیلومتری‌اش و طی کردن طول کره زمین، با عبور از صحرای آفریقا در ۱۳ روز با دوچرخه نامش را در کتاب گینس به‌عنوان سریع‌ترین عبور ثبت کرده است، او همچنین دور آناپورنا را رکاب زده و البته جنگل‌های آمازون را طی کرده است و خلاصه تا دلتان بخواهد ماجراجویی کرده، برای همین است که او یکی از ۲۰ جهانگرد دنیا به انتخاب نشریه منز فیتنس است و فیلم‌های مستند او به وسیله شبکه‌های مطرح جهان نمایش داده شده است.

کتاب پاکروان از جای خوبی شروع می‌شود. او در همان نخستین سطرهای کتابش خواننده را با خود همراه می‌کند. نثر کتاب نثری است صمیمی و پرانرژی. نویسنده در این اثر نشان می‌دهد تسلط لازم را بر کلمات دارد تا آن‌ها را به درستی در جایی که لازم است بنشاند و از رهگذار این انتخاب درست، خواننده به سرعت در صفحات کتابش پیش برود. او در این کتاب ارزشمند خود تصویری به ما می‌دهد از همه آنچه در ۱۰۲ روز بر او گذشته است. از وضعیت کشورها و شهرهایی که از آن‌ها رد شده است، مردمی که محبتشان به او و دوست همراهش یعنی استیو رسیده است، وضعیت جاده‌ها، شرح امید و تلاش ناامیدی برای اینکه او و دوستش را از پای درآورد و خلاصه او در این کتاب تصویری از توانایی بالای آدمی به خواننده‌اش می‌دهد؛ چرا که او برای رسیدن به رکوردی که دنبال آن است باید در سه ماه هر روز ۱۷۷ کیلومتر رکاب بزند و این چیز کمی نیست. به‌خصوص وقتی فکر کنیم در این مسیر او با سختی‌های فراوانی باید روبه‌رو شود تا از پس این چالش بزرگ برآید، سختی‌هایی همچون گرمای کشنده آفریقا، خرابی جاده‌ها، انقلاب مصر، جنگ، باران و....

ترجمه خوب کتاب را شهلا طهماسبی انجام داده است. کوتاه سخن اینکه خواندن این کتاب را به همه آن‌هایی که علاقه به ماجراجویی و دیگرگونه زیستن دارند توصیه می‌کنم. رضا پاکروان راوی صادقی است که این صداقت همراه با احساس سرشار او در نوشتن این کتاب آن را خواندنی کرده است تا آنجا که وقتی به آخرین صفحه کتاب رسیدم دلم از تمام شدن آن گرفت.

نقاش و طراح گرافیک پیشکسوت درگذشت

سهراب مرزبان، هنرمند نقاش و از اعضای انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران ۲۸ فروردین در ۶۷ سالگی درگذشت.

انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران اعلام کرد: آیین تشییع و بدرقه پیکر زنده‌یاد فتح‌الله (سهراب) مرزبان؛ هنرمند نقاش، طراح گرافیک پیشکسوت و مدرس هنر امروز ساعت ۱۵ در آرامگاه شهر ساری (ملامجدالدین) برگزار می‌شود.

زنده‌یاد مرزبان متولد ۱۳۳۵، دانش‌آموخته گرافیک از دانشکده هنرهای تزئینی و مدرس دانشگاه در ایران و مالزی بود.

فرهنگ و هنر

در حاشیه

روایتی از زندگی عماد افروغ در «فریادهای خاموش»

«فریادهای خاموش» کاری است از گروه ادب و هنر شبکه ۴ که به مناسبت درگذشت دکتر عماد افروغ برای نخستین بار شب گذشته ساعت ۲۱:۳۰ پخش شد.

عماد افروغ، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و استاد دانشگاه پس از تحمل یک دوره بیماری بامداد جمعه ۲۵ فروردین در سن ۶۶ سالگی درگذشت.